

شرق روزنامه

روزنه

ساماندهی گروه‌های دینی در ترکیه

رئیس امور دینی ترکیه گفت‌وگویی را که بیش از ۳۰ گروه دینی شروع کرده‌اند، مثبت ارزیابی می‌کند. هدف از این گفت‌وگوها اتکا بر مبادی عام اسلامی و ساماندهی عملکرد این گروه‌هاست تا «عدم تکرار دو تجربه گروه خدمت و تشکیلات داعش» در آینده تضمین شود.
امور دینی ترکیه پنج اصل را برای عملکرد این گروه‌ها در نظر گرفته است. این پنج اصل شامل عدم استفاده از خشونت به هر شکلی از اشکال، عدم تکفیر سایر گروه‌ها، عدم طرد هیچ گروهی، متعهدبودن هر گروه به اصول اساسی اسلام و عدم تقدس دینی‌بخشیدن به شخصیت‌هاست. منابع نزدیک به ریاست امور دینی ترکیه می‌گویند: «این خلاصه همه گفت‌وگوها و مذاکراتی است که تا‌به‌حال انجام شده و در دیدارهای مختلف روی جزئیات آن بحث شده است». آنها تأکید دارند که اجرای این اصول به خود گروه‌ها سپرده شده است تا به‌صورتی داوطلبانه هر نهدادی بدون اینکه قید الزام و اجبار را داشته باشند آنها را اجرا کند. به گفته مقامات دینی ترکیه، هدف از مشخص‌کردن این اصول آن است که جلو ارزش‌ها و افکاری که برخی گروه‌ها ترویج می‌کنند و هدفشان سوءاستفاده به نام دین است، گرفته شود. یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها جنبش «خدمت» (حزمت) به رهبری «فتح‌الله گولن»، روحانی مخالف ساکن ایالات متحده آمریکاست. گروه دیگر نیز تشکیلات داعش معرفی می‌شود. به گزارش شبکه الجزیره، گروه‌هایی مانند: «رساله النور»، «نور»، «الاخلاص»، «احیاء العلوم»، «سلیمان افندی»، «اوقاف الخیرات»، «الجبیل» و برخی دیگر از نهاده‌ا و مؤسسه‌انی که فعالیت‌ی عمیق داشته و در جامعه ترکیه از تأثیرگذاری وسیعی برخوردارند، در این گفت‌وگوها شرکت داشتند.

استقبال

مردم ترکیه در انتخابات سال ۲۰۲۰ میلادی به حزب عدالت و توسعه رأی دادند تا شاهد تغییرات جدی در عرصه داخلی و خارجی کشورشان باشند. اما سؤالاتی درباره ماهیت این حزب به وجود آمد که آیا یک حزب مدرن و دموکراتیک با ریشه‌های اسلام سیاسی توان بسط آزادی‌های مدنی و ماندگارسازی نظامی دموکراتیک را دارد. با بررسی ادبیات موجود در رسانه‌ها و محافل سیاسی قبل و بعد از روی‌کارآمدن حزب عدالت و توسعه خواهیم دید که تعریف واحدی ارائه نمی‌شود؛ به‌عنوان‌مثال قبل از انتخابات ۲۰۲۰ بسیاری از رسانه‌های غربی این حزب را حزبی بنیادگرا توصیف کرده بودند. دو سال بعد از روی‌کارآمدن حزب عدالت و توسعه و در پی تصویب چندین بسته عمده اصلاحی در پارلمان ترکیه، حزب عدالت و توسعه را به‌عنوان حزب «اسلام‌گرای اصلاح‌شده» توصیف کردند.



رسانه‌های ترکیه می‌گویند طرح این اصول پنج‌گانه با استقبال سازمان‌ها و گروه‌های دینی گفت‌وگوکننده مواجه شده است. حال انتظار می‌رود این بحث‌ها در یک نشست نهایی مورد تأکید قرار گیرد. در این نشست «محمد گورماز»، رئیس امور دینی ترکیه، با سران همه این گروه‌ها دیدار خواهد داشت. طبق اطلاعاتی که «عبدالوهاب اکتچی»، دبیرکل انجمن علمای اهل سنت ترکیه، می‌دهد، این اصول پنج‌گانه با احکام اصلی اسلام کاملاً هماهنگ است؛ احکامی که به نظر او «جزء واجب‌ات دینی بوده و هر مسلمان‌ای را هر گروهی و جماعتی که می‌گوید تابع عمل اسلامی است باید نسبت به آنها متعهد باشد». اکتچی می‌افزاید مسئله عدم تکفیر دیگران که در بین این اصول آمده، یکی از مصادب جهان اسلام در طول تاریخ آن بوده است. ازاین‌رو ضروری است این اصل مورد پذیرش همگان قرار گیرد و هر مسلمانی بکوشد از کافرپذیرداشتن یا کافر معرفی‌کردن دیگران حتی اگر مخالف عقیده او باشد، به‌شدت پرهیز کند.

به اور او، اسلام دین صلح و مداراست و همه گروه‌های تندرو به‌لحاظ فکری و عملی «مولود توپنه‌های خارجی» بوده و هدف از تأسیسشان ایجاد شکاف و فتنه در بین مسلمانان بوده است. به تعبیری دیگر از این گروه‌ها برای اجرای اهداف ویرانگری سوءاستفاده می‌شده است، زیرا می‌خواستند «جهان اسلامی را تکه‌تکه کنند». او می‌گوید این طبیعی است که گروه‌های دینی این اصول پنج‌گانه را بپذیرند، زیرا با روح و ماهیت خود اسلام کاملاً هماهنگ است. او درعین‌حال تأکید می‌کند استفاده از این اصول نباید به‌هیچ‌وجه موجب بسته‌شدن درهای عمومی برای انجام کارهای اصلاح‌گرایانه یا خیریه‌ای باشد که بعضی از این مؤسسات یا طرف‌های خاص مشغول انجام آنها هستند.

تبلیغات مستمر

ترکیه تلاش‌های مستمری را برای خنثی‌کردن فعالیت‌های جماعت خدمت به رهبری فتح‌الله گولن انجام می‌دهد. این تلاش‌ها از زمانی که گروه او متهم به تلاش برای انجام یک کودتای نظامی در ۱۵جولای گذشته شد، دوچندان شده است. دولت ترکیه تاکنون هزاران نفر از طرفداران این گروه را بازداشت و هزاران نفر دیگر را از کار برکنار کرده است. در این رابطه تاکنون صدها مؤسسه وابسته به جریان گولن مسدود شده‌اند. همچنین آنکارا از طریق مرزهای جنوبی خود با سوریه عراق درگیر جنگی نامحدود با تشکیلات داعش است، گروهی‌ح که در دو سال گذشته با انجام چندین عملیات تروریستی ثبات و امنیت این کشور را در معرض خطر قرار داده است. ریاست امور دینی ترکیه ماه اکتبر گذشته بیانیه‌ای را صادر کرد که به‌موجب آن گروه خدمت، وابسته به فتح‌الله گولن یک سازمان تروریستی معرفی شد. در این بیانیه آمده بود که «خدمت» را نمی‌توان یک گروه اسلامی دانست زیرا «رهبرش براساس نیازهای شخصی خود هرروز یک موضوعی می‌گیرد، این گروه به مرور زمان به یک سازمان تبدیل و دارای پروژه‌هایی مخفی شد. بعد برای تحقق اهداف پنهان خود همه‌گونه دروغ و اتهام را به دیگران نسبت داد».

منبع: الجزیره

نگاه

جهانی بدون آمریکا

مجله «اکنونمیست» آمریکا در گزارشی تحت عنوان «شورش ترامپ در کاخ سفید» نوشت هنوز تلخی مراسم تحلیف دونالد ترامپ تمام نشده بود که او فرمان اجرایی‌اش را علم کرد؛ تصویب عجولانه پیش‌نویس قانون منع ورود اتباع هفت کشور مسلمان به آمریکا که به طور مخفیانه نوشته شده بود، موجب شد حتی متحدان جمهوری‌خواه ترامپ نیز نسبت به این رفتار او سرمنده شوند و به‌نوعی محبوبیت او را خدشه‌دار کرده است.سیاست‌های هرج‌ومرج‌طلبانه عمدتاً با شکست مواجه خواهند شد. به نظر می‌رسد برای ترامپ این هرج‌ومرج‌ها بخشی از نقشه او باشد. اجرای وعده‌های مبالغه‌آمیز ترامپ در مبارزات انتخاباتی، شورش‌های جدی‌ای را در واشنگتن و جهان رقم خواهد زد.

«اکنونمیست» می‌نویسد: برای فهم بهتر دلیل شورش‌های ترامپ علیه میراث گذشتگان باید نگاه عمیق‌تری به فرهنگ آمریکایی داشت. گروهی از مردم آمریکا «درگیری» را یک دارایی سیاسی می‌دانند. از نظر آنها هرچه ترامپ سخنرانی‌های توهین‌آمیزتری داشته باشد، هواداران او بیشتر مطمئن خواهند شد که نخبگان خان آمریکایی عرصه سیاست را ترک کرده‌اند. رویکرد سیاست «درگیری»، سیاست خارجی چند دهه گذشته آمریکا را نفی می‌کند. ترامپ برای ساختارهای چندجانبه، از امنیتی گرفته تا تجارت و محیط زیست احترامی قائل نیست. او بر این باور است که کشورش در این ساختارها پشاداش کمی دریافت کرده و بیشتر هزینه داده است. در این گزارش گفته شده سازمان‌های بین‌المللی بدون حمایت آمریکایی‌های فعال و مشارکت آنها، محکوم به شکست هستند. در صورت خروج آمریکا از سازمان تجارت جهانی، این سازمان چیزی به‌جز یک نام نیست و سازمان ملل در وضعیت نامناسبی قرار می‌گیرد. آسیب‌هایی که ترامپ به سازمان‌های چندجانبه‌گرا وارد می‌کند جدی خواهد بود. در صورت ادامه این روند، کشورهای دیگر نیز وسوسه می‌شوند که در رفتارشان تغییراتی ایجاد کنند. «اکنونمیست» به پاسخ به این سؤال که باید چه کرد، تأکید می‌کند: اولین وظیفه این است که خرابی‌هایی که به بار آمده است را محدود کنیم. ترامپ باید متقاعد شود که اتحاد با دیگر کشورها در چارچوب سازمان‌های چندجانبه و روابط دوجانبه بزرگ‌ترین منبع قدرت آمریکاست. شبکه‌های منحصربه‌فرد آمریکا سبب شده‌اند این کشور بالاتر از رقبای منطقه‌ای نظیر چین در شرق آسیا، روسیه در شرق اروپا و ایران در خاورمیانه قرار بگیرد. اگر ترامپ واقعا می‌خواهد که آمریکا را به قدرت اول تبدیل کند، باید اولویتش را تقویت این اتحادها قرار دهد، نه ازین‌بردن روابط. این مجله همچنین در پاسخ به این سؤال که اگر ترامپ این توصیه‌ها را نادیده بگیرد چه می‌شود، نیز توصیه می‌کند، در چنین شرایطی متحدان آمریکا باید برای حفظ نهادهای چندجانبه برای فرادی رزی که ترامپ این اتحادها را تضعیف کند، تلاش کنند و این کار باید با کاهش نزاع‌های درونی آنها باشد. کشورها باید برای دنیایی بدون رهبری آمریکا خوشان را آماده کنند. ممکن است برخی بگویند چین برای پذیرش این نقش آماده نیست. اتحادیه اروپا هم که در ناتو با کمبود بودجه مواجه خواهد بود. برزیل یک قدرت منطقه‌ای است و باید خود را برای کمک به آمریکای لاتین آماده کند. در خاورمیانه کشورهای عربی باید به دنبال راه‌حلی برای صلح با ایران باشند.

منبع: ایلنا



عکس Reuters

تحلیلی از جایگاه ترامپ در سیر تاریخی و چشم‌انداز پیش‌روی جامعه آمریکا

ترامپ تاریخ‌ساز نیست

و پس‌انداز که از آداب مهم آمریکای کوچک‌شهرها بود، برای بحران جدید حرفی برای گفتن نداشت.

در سال ۱۹۳۲ فرانکلین روزولت، پس از ریاست‌جمهوری ناموفق هربرت هوور، به ریاست‌جمهوری انتخاب شد. روزولت به وارونه‌کردن سیاست مالی سابق مشغول شد و راه نجات را در افزایش مصرف دید. برنامه «نیودیل» او به انتقال ثروت سرمایه‌گذاران به مصرف‌کنندگان پرداخت. او کوچک‌شهرها و ارزش‌های روبه‌زوالشان را فدای نجات کارگران صنعتی شهرهای بزرگ کرد. رشته قوانینی به تصویب رسید که به سربازان از‌جنگ‌برگشته امکان می‌داد به صورت اعتب‌اری خانه بخرند و پولش را به اقساط بپردازند یا با تأمین مالی آسان به تحصیل در دانشگاه بپردازند و به صاحب حرفه‌های یقه‌سفید تبدیل شوند. دولت فدرال به پروژه عظیم ساخت بزرگراه‌های میان‌ایالتی اقدام کرد و این امکان فراهم شد تا زمین اطراف شهرها به خانه‌سازی اختصاص داده شود. طبقه متوسط آمریکایی در این دوران متولد شد. این اصلاحات فرزندان طبقه کارگر مهاجر را به طبقه متوسط حومه‌نشین شهرها تبدیل کرد.

اما بحران انتهای این دوره چگونه از راه رسید؟ در این دوران به ثروتمندان مالیات‌های سنگینی بستند و نرخ‌های بهره را پایین نگه داشتند و فروش اقساطی بسیاری از کالاها را ابداع کردند تا تقاضا بالا نگه داشته شود. اصلاحات مدل روزولت تا دهه ۷۰، اقتصاد را به اوج شکوفایی رساند، اما از آن پس کارایی فرمول او از میان رفت. ضرب‌های مالیاتی بالا، ایجاد کسب‌وکارهای جدید را به حد ممنوعیت رساند و بیشتر به نفع بنگاه‌های بزرگ و ناکارآمد بود. نرخ‌های بالای مالیات به نوعی گوشمالی دادن موفقیت تبدیل و مانعی برای سرمایه‌گذاری شد. با وجود فروش اقساطی و بالا بودن تقاضای بازار، کارخانه‌ها رفته‌رفته کهنه و از رده خارج شدند. صنعت و اقتصاد کل کشور، به دلیل توقف سرمایه‌گذاری، به صورتی فراینده کارایی و رقابت‌پذیری جهانی خود را از دست داد. از سوی دیگر در دهه ۱۹۷۰ متولدان دوران پربزایی، خود به مرحله ازدواج و فرزندآوری رسیدند. درنتیجه تقاضا برای گرفتن اعتبار بسیار بالا رفت. این عوامل با بحران انرژی همگام شد و وضع را به بن‌بست کشاند. در زمان ریاست‌جمهوری جیمی کارتر، تورم از ۱۰ درصد بالاتر رفت و میزان بیکاری هم به همین رقم رسید. راه‌حل کارتر تخفیف مالیات برای طبقات متوسط و کم‌درآمد بود که با شکست مواجه شد، چراکه فقط مصرف را بالاتر می‌برد و فشار بیشتری به سیستم اقتصادی وارد می‌کرد.

 	 	 	 	 	
نمونه دیگر بحران بیکاری بر اثر دو عامل رشد تکنولوژی و جهانی شدن اقتصاد است. ترامپ می‌خواهد از طریق اخراج مهاجران و ایجاد موانع در راه تجارت جهانی به آن پاسخ دهد. اما خلاف آنچه او فکر می‌کند راه‌حل این بحران هم در استقبال از آینده یعنی همان دوران کاهش جمعیت و رشد فناوری‌ها و شیوه‌های مدیریت متناسب با آن نهفته است					

در پایان چرخه چهارم با به‌اصطلاح چرخه روزولتی و پس از آنکه جیمی کارتر نتوانست بر بحران نهایی آن غلبه کند، رونالد ریگان به ریاست‌جمهوری رسید. او آغازگر چرخه ۵۰ساله پنجم تاریخ آمریکا بود که تا امروز ادامه دارد. سیاست اصلی ریگان برای خروج از بحران این بود که همگام با بالا نگه‌داشتن مصرف، به سرمایه‌گذاری‌های نقدی نیز بپردازد. او این کار را از طریق تقویت بنیه عرضه‌کنندگان انجام داد، یعنی کاستن از مالیات کارخانه‌ها و صاحبان سرمایه برای تشویق سرمایه‌گذاری. او منافع طبقه ثروتمند و صاحبان بنگاه‌های بزرگ را در اولویت قرار داد تا بتوانند از طریق سرمایه‌گذاری بیشتر اقتصاد و صنایع را روزآمد کنند. این کار به معنی ساختاربندی دوباره و ریشه‌ای اقتصاد آمریکا در دهه ۸۰ بود که منجر به شکوفایی اقتصادی دهه ۱۹۹۰ شد.

ریگان بدین ترتیب اقتصاد آمریکا را از اصول «نیودیل» روزولت، که حامی کارگران مصرف‌کننده شهری بود، دور کرد و به سمت حمایت از منافع طبقات کارآفرین و متخصصانی سوق داد که در حومه‌ها اقامت داشتند. سیاست‌های ریگان به‌تدریج قدرت اقتصادی و سیاسی را از مراکز شهرهای بزرگ به حومه شهرها کشاند. این حومه‌نشینان در طول دهه ۱۹۸۰ ثروتمندتر شدند و بیش از همه از سیاست‌های اقتصادی ریگان بهره بردند. ریگان اقتصاد آمریکا را براساس سیستمی سازمان داد که تا امروز هم دوام یافته است. در این سیستم برای گسترش کسب‌وکار و هزینه‌های مصرفی اعتبارهای لازم فراهم است. نرخ بهره به شیوه‌ای تاریخی پایین است و بیشتر افزایش سرمایه از بازار سهام تأمین می‌شود، یعنی زمین، خانه و سرمایه‌گذاری‌ها و نه از طریق سنتی پس‌انداز.

این ساختاربندی مجدد باوجود واردآوردن فشار قابل‌توجه به طبقات پایین و بخش‌هایی از طبقه متوسط، منجر به افزایش عظیم تولید در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شد که بیشتر حاصل فعالیت کارآفرینان مجهز به فناوری‌های جدید بود. تحول اقتصادی دهه ۱۹۸۰ را باید بیش از هر چیز در سیمای مؤسسه‌هایی مانند اپل و میکروسافت ملاحظه کرد، یعنی شرکت‌هایی که سرمایه اولیه آنها اندک

توس ظلم‌ها سیی: جورج فریدمن، تحلیلگر مشهور آمریکایی و مدیرکل «آژانس اطلاعات و مراقبت راهبردی آمریکا»، برای تحلیل تاریخ سیاسی این کشور، الگوی نظری قابل‌تأملی دارد: آمریکا حدوداً هر ۵۰ سال یک‌بار با بحران اجتماعی-اقتصادی بزرگی روبه‌رو می‌شود. از یک دهه پیش از بروز نهایی بحران، مشکلات خودنمایی می‌کنند. در نهایت با تغییر سیاست کلان برای بحران چاره‌ای اندیشیده می‌شود و ایالات متحده به شکوفایی بازمی‌گردد. در حدود چهار یا پنج دهه بعد، این راه‌حل خود بحران جدیدی را به دنبال می‌آورد. بحران حاد و حادث می‌شود تا اینکه راه‌حل دیگری که یک سیاست اقتصادی-اجتماعی جدید است، از دل آن زاده می‌شود. هر یک از این چرخه‌های ۵۰ساله با یک رئیس‌جمهور موفق و تاریخ‌ساز آغاز می‌شود که با طرحی نو بحران عصر خود را حل کرده و با رئیس‌جمهور ناموفقی به پایان می‌رسد که می‌خواهد با راه‌حل‌های بحران پیشین، بحران جدید را حل کند و ناکام می‌شود. ایالات متحده تاکنون چهار چرخه را طی کرده و هم‌اکنون در نیمه دوم چرخه پنجم قرار دارد.

چرخه اول با ریاست‌جمهوری جورج واشنگتن و اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ آغاز شد. بنیان‌گذاران مردمی ثروتمند و فریخته‌ت‌بودند که خود را پایه‌گذار ساختار سیاسی جدیدی می‌دانستند. اکثر آنان انگلیسی بودند. گروه جدید و پرشماری از مهاجران وارد کشور شدند که با تلاش و تحمل سختی و ریسک، کشور را به سمت غرب گسترش دادند. اینها که «پیشگامان» نام گرفتند، مردمانی کاملاً متفاوت و بنیان‌گذاران به‌شمار می‌رفتند. آنان عموماً مهاجرانی فقیر و بی‌سواد بودند و بیشتر تبار ایرلندی یا اسکاتلندی داشتند.

در دهه ۱۸۲۰ تقابل سیاسی میان این دو گروه شدت گرفت. زیرا آرمان بنیان‌گذاران با منافع ساکنان جدید آمریکا در تضاد بود. چرخه اول با ریاست‌جمهوری ناموفق جان آدامز به پایان رسید و در سال ۱۸۲۸ چرخه دوم با انتخاب اندرو جکسون، قهرمان نسل جدید به ریاست جمهوری، آغاز شد. جکسون نماینده طبقه کشاورزان پیشگام بود که در غرب کولونی‌های آغازین و در مرکز قاره ساکن بودند. رؤسای جمهوری پیش از جکسون که از بنیان‌گذاران بودند، طرفدار وجه رایج بانثاتی به‌شمار می‌رفتند که منافع سرمایه‌گذاران را حفظ کند اما جکسون از ارزش وجه رایج کاست تا از منافع وام‌گرفتان و مقروضان حمایت کند.

در پایان چرخه دوم، پس از پایان جنگ داخلی، دیگر ویژگی مرکز و غرب آمریکا کار طاقت‌فرسای کشاورزان برای به‌دست‌آوردن نان بخورونمیر نبود. از حدود سال ۱۸۷۶ کشاورزان نهتنها مالک زمین‌هایشان بودند، بلکه درآمد اضافی هم داشتند. با این تغییرات چهره زمین هم تغییر کرد. سکونت‌گاه‌های کشاورزی کم‌کم به شهرهای کوچک تبدیل شدند تا پاسخ‌گوی نیازهای کشاورزان مرفه و ثروتمند باشند و بانک‌های این شهرهای کوچک پس‌انداز کشاورزان را در وال‌استریت سرمایه‌گذاری می‌کردند و وال‌استریت به نوبه خود، این پس‌انداز‌ها را در راه‌آهن و صنایع سرمایه‌گذاری می‌کرد.

سپس بحران انتهای این عصر فرا رسید: سیاست وجه رایج ارزان که ۵۰ سال برقرار بود، گرچه به پیشگامان کمک بسیار کرده بود اما به فرزندان نشان آسیب می‌رساند، زیرا فرزندان زمین‌های کشاورزی غرب را به کسب‌وکاری پردرآمد تبدیل کرده بودند. در دهه ۱۸۷۰ بحران وجه رایج ارزان تحمل‌ناپذیر شد. نرخ کم بهره کشاورزان را تشویق نمی‌کرد که سودهایشان را در جایی سرمایه‌گذاری کنند. آمریکا برای رشد و گسترش به وجه رایج نیرومند و بانثات نیاز داشت. در ۱۸۷۶ پس از ریاست‌جمهوری ناموفق یولی‌سیس گرانت، مردم در انتخابات به جرال فورد رأی دادند. جان شرمن، وزیر خزانه‌داری مشهور او، طلا را پشتوانه وجه رایج کرد، نرخ بهره را بالا برد و سرمایه‌گذاری را سودبخش و جذاب کرد. از این سیاست کشاورزان کوچک آسیب دیدند ولی کشاورزان ثروتمند و بانک‌داران شهرهای کوچک بهره‌های بسیار بردند. این سیاست مالی کمک کرد تا ایالات متحده به‌سرعت صنعتی شود و ۵۰ سال تمام اقتصاد آمریکا را گسترش خارق‌العاده بخشید.

از اواسط اینس دوران به‌تدریج میلیون‌ها کارگر مهاجر جدید برای کار در معدن‌ها و کارخانه‌ها به آمریکا آمدند و در شهرهای بزرگ اقامت کردند. این مهاجران با هرکس که تا آن زمان در آمریکا زندگی کرده بود، تفاوتی شدید داشتند. ملت آمریکا تا آن زمان اساساً ملتی انگلوساکسون و پروتستان بود که در کنار طبقه فرودستی از سیاهان زندگی می‌کرد. کارگران مهاجر جدید از ایرلند، ایتالیا و شرق اروپا آمده بودند. مردم شهرهای کوچک آمریکا با دیده تردید و سوءظن به این مهاجران تازه می‌نگریستند که فرهنگ و آداب و رسوم متفاوتی داشتند و شهرهای بزرگ را که این تازه‌واردان در آنها اقامت گزیده بودند، مراکز فرهنگ فاسد و بیگانه نامیدند.

سیستم مالی آمریکا که از اواخر دهه ۱۸۷۰ با سیاست نقدینگی کم اداره می‌شد و مشوقی برای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بود، در دهه‌های بعد، بازار مصرف و اعتبار را با محدودیت‌های خطرناکی روبه‌رو کرد. در شهرهای بزرگ، به دلیل فرزندآوری بالا و ورود مهاجران جدید، انفجار جمعیت رخ داد؛ درنتیجه مستعمره‌ها و در مقابل با رشد سرمایه‌گذاری ر قدرت، خرید کارگران برای کالاهای تولیدی خودشان شدیداً کاهش یافت. نتیجه رکود بزرگ ۱۹۲۹ بود. سخت‌کوشی